

دبیر کمیته کردستان محمد آستران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۳۹

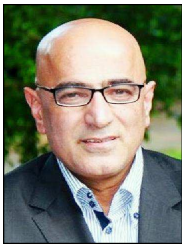
ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۱۵ مرداد ۱۳۹۳، ۶ آگوست ۲۰۱۴

سردبیر عبدال گلپریان

فاجعه بمباران شیمیایی نودشه جان یکی دیگر از مصدومین را گرفت!



نسان نودینیان

رحیم مقروضی در سن ۵۸ سالگی به دلیل وخامت حال و عفونت ریه هایش جانباخت. در شهریور ماه سال ۱۳۹۲ فایق فلاحی یکی دیگر از مصدومین بمبارا شیمیایی جانباخت. در شهر نودشه طی ۲۶ سال گذشته بیش از ۱۰۰ تن از مجموع ۵۰۰ نفری که با سلاح شیمیایی مصدوم شدند، جان خود را از

صفحه ۳

سناریوی عراق و سوریه تنها گوشه ای از پیامدهای رقابت قدرتهای جهانی و منطقه ای است

صفحه ۳

مصاحبه نسرین رمضانعلی با محمد آستران (بخش دوم)



مانیفست جوانان غزه برای تغییر وضع موجود

تفاوتی را بشکنیم؛ فریادی با تمام قدرت نهفته در جان هایمان برای رهایی از این سرخوردگی عمیق که به علت زندگی در این وضعیت جهنمی جسم و جان ما را تحلیل می برد...

صفحه ۴

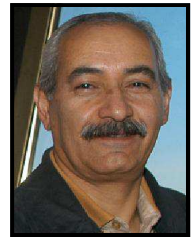
حقوق بشر و بی تفاوتی جامعه بین المللی حالممان به هم می خورد!
ما می خواهیم فریاد بکشیم و همچون ۱۶۶ های اسرائیل که دیوار صوتی را می شکنند این دیوار سکوت و بی عدالتی و بی

گند بزنند حماس را. گند بزنند اسرائیل را. گند بزنند الفتح را. گند بزنند سازمان ملل را. گند بزنند آژانس امداد و کار سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی (UNRWA) را. گند بزنند آمریکا را! ما جوانان غزه از اسرائیل، حماس، اشغال، تجاوز به

صفحه ۶

تنها جبهه سوم می تواند! / عبدال گلپریان

منشا پیدایش گروه اسلامی داعش



عبدال گلپریان

گروه داعش در نزدیکی مرز عربستان سعودی، در صحرای استان الانبار عراق که مرز وسیعی با عربستان دارد شروع به شکل گیری نمود. بدلیل شرایط صحرایی و دور افتاده استان الانبار، این منطقه کم جمعیت که تقریباً خالی از سکنه و بدور از کنترل کامل نظامی است، بر بستر اوضاع و احوال سیاسی عراق و کشورهای همجوار، شرایط مساعدی برای رشد پیدا کرد. این گروه در اوایل سالهای جنگ عراق تاسیس شد

صفحه ۲

داعش این طفاله و میراث اسلامی سرمایه داری از کجا آمد، چگونه شکل گرفت و بر بستر کدام سیاست و کدام دوره تاریخی ظهور کرد و چرا این پدیده منطقه را به لجن کشیده است؟

نگاه هفته: مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینیان - نسرین رمضانعلی

روستای شهرستان پیرانشهر دچار سوختگی شدید شدند و دو تن از آنها به اسامی "سیران یگانه" و "سارینا رسولزاده" بر اثر سوختگی جان خود را از دست دادند. "۱۲ نفر از دختران روستای شین آباد پیرانشهر در سال ۹۱ بر اثر آتش سوزی مدرسه خود دچار صدمات شدید سوختگی شدند و دوره درمان آنان تاکنون ادامه دارد، که اکنون قرار است بیمه دیه صدمه بدنی این دختران را پرداخت کند، اما متأسفانه بیمه اعلام داشته است به خاطر اینکه موکلین ما

صفحه ۷

به دلیل "مونث" بودن دانش آموزان شین آبادی، بیمه فقط "نصف دیه" را پرداخت می کند

حسین احمدی نیاز یکی از وکلای دانش آموزان شین آبادی می گوید که "بیمه" اعلام کرده است که به دلیل "مونث" بودن فقط حاضر به پرداخت "نصف دیه" صدمات وارد شده به این دانش آموزان است. پانزدهم آذر ماه سال ۹۱ بر اثر آتش سوزی ناشی از بخاری چکه ای در کلاس چهارم دبستان انقلاب اسلامی روستای شین آباد ۲۸ تن از دختران دانش آموز این

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



تهیه و تنظیم: یدی محمودی
yadi.mahmodi@gmail.com

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

منشأ پیدایش گروه اسلامی ...

در سال ۲۰۰۴ متعهد به وفاداری و حمایت از القاعده شده و به عنوان القاعده عراق مشهور شد.

داعش در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ به یک سازمان فراگیر برای گروه‌های به اصطلاح شورشی عراق تحت عنوان "حکومت اسلامی عراق" تبدیل شد. داعش بعنوان بازوی اصلی القاعده در منطقه شناخته می‌شد، اما بدلیل اختلافات، جنایات و وحشی‌گری‌های علنی آن، القاعده به طور رسمی ادعای داعش را مبنی بر وابستگی به آن در سال‌های بعد رد کرد. گروه داعش از حمایت عربستان و قطر و یکسری کشورهای خلیج که منافع مشترکی دارند برخوردار است. گروه داعش با استفاده از مرز مشترک با عربستان و سوریه و دریافت تسلیحات و کمک‌های نظامی از طریق این مرزها فعالیت‌های خود را در این چند سال در سوریه با تمام قوا پیش برده است. داعش به آسانی از مرز بی‌در و پیکر عربستان با صحرای الانبار، هر چه را که بخواهد به عراق و سپس از مرزهای مشابه با سوریه، به مناطق درگیری می‌رساند. پس از فعال شدن نسبی دستگاه امنیتی عراق و مسدود شدن راه عبور تسلیحات داعش از طریق مرزهای عراق به سوریه، گروه داعش در تقابلی با ارتش عراق فعالیت‌های خود را در عراق شدت بخشید و به جنگ و درگیری در یکسری شهرهای عراق مبادرت نموده و بخش‌هایی از استان‌های مرزی عراق را به تصرف خویش درآورده است.

داعش از درون گروه اسلامی و تروریستی بن لادن که بر بستر کشاکش دو قطب رقیب در دوران جنگ سرد و بعنوان ابزاری از سوی آمریکا در تقابل با قطب رقیب در افغانستان تولید و بعدها به القاعده معروف شد سر بر آورد و شکل گرفت. سیاست‌های دولت آمریکا در

مقابل قطب رقیب در شرق و برای دست بالا پیدا کردن، مهره‌هایی که بعداً القاعده را شکل دادند پرورش داد تا بتواند از طریق افغانستان، دایره گسترش نفوذ خود را تأمین کند و آقایی خود بر دنیا را جار بزند. با گرفتن باندهای دست ساز آمریکا در افغانستان تقریباً همزمان بود با انقلاب مردم ایران. با وقوع انقلاب ۱۹۷۹ مردم ایران که می‌رفت بساط هر دو مدل را به چالش بکشد، آمریکا و دولت‌های متحد غربی اش با اتخاذ همین سیاست در گوادلوپ، چه در رقابت با بلوک رقیب و هم برای کوبیدن خواست‌های انسانی مطرح در انقلاب ۵۷ که پایه‌های سیستم سرمایه‌داری را هدف گرفته بود، پدیده خمینی و بزک کردن کثیف‌ترین و پوسیده‌ترین جریان اسلامی را همچون کالایی نو ظهور در ویرتین خود جای دادند. نباید این را از نظر دور داشت که هر یک از دو قطب رقیب، یکی دولت و نمایندگان سرمایه‌داری بازار آزاد در غرب و دیگر مدل سرمایه‌داری دولتی در شرق، هر کدام با روش خود در زمینه مهار و به حاشیه راندن آرمان و آرزوهای سوسیالیستی و انسانی نشأت گرفته از انقلاب اکتبر، وجهه اشتراک داشتند.

ادامه سیاست‌های شکست خورده و به بن بست رسیده دوران جنگ سرد و متعاقب آن بحران و بن بست سیاسی و اقتصادی آمریکا، روسیه و دیگر کشورهای سرمایه‌داری غربی بعد از فروپاشی بلوک شرق در کشورهای مختلف و همچنین در جریان حمله نظامی آمریکا به عراق که میدان‌داری انواع باندها و دسته‌جات اسلامی را سبب شد، اکنون مردم این مناطق را با مخاطرات جدی روبرو ساخته است. طی همین مدت و بر بستر چنین فضایی، ارتجاعی‌ترین و عقب مانده‌ترین گرایش‌های ناسیونالیستی، قومی، اسلامی، نژادپرستانه و فاشیستی در

گوشه و کنار امکان عرض اندام پیدا کرده‌اند.

اگر کسی بخواهد بداند که این مخوف‌ترین پدیده در طول تاریخ بشری از کجا سر برآورده است، باید آنرا در پرتو سیاست‌های آمریکا و متحدینش برای ایجاد سپر آهنین در مقابل "کمونیسم" یا همان مدل سرمایه‌داری دولتی در شوروی سابق جستجو کند. اگر علل سیاسی، تاریخی یا گرفتن این هیولای قرن حاضر در قامت جمهوری اسلامی، القاعده تا داعش را آنگونه که شرح آن رفت بپذیریم باید گفت که تقویت، پرورش، تولید و عرضه کردن این هولناک‌ترین موجود تاریخ بشری همچون عرضه کردن خمینی و جمهوری اسلامی در پایه‌ای‌ترین سطح برای جلوگیری از گسترش خواست و توقعات انسانی در سطح جهان عرضه شد که در مقطع جنگ سرد همچنان با مدل سرمایه‌داری دولتی تداومی می‌شد. افق و آرمان‌های اولیه انقلاب ۵۷ ایران و دیگر تحركات توده‌ای در برخی از کشورها، زمینه‌ساز کنار زدن هر دو مدل اقتصادی بازار آزاد و سرمایه‌داری دولتی و پرده برداشتن از روی صورت‌بناهای سوسیالیستی بلوک شرق بود. وحشت و نگرانی قدرتهای جهانی از بروز اکتبر دیگری و همچنین رقابت‌های دوران جنگ سرد آنان را ناچار به تولید و باز تولید پس مانده فسیل‌هایی کرد که به هیچ‌جا نرود در طول تاریخ زندگی انسان شباهت ندارند. مردم خاورمیانه، مردم ایران، مردم سوریه و مردم عراق و کردستان عراق هم اینک از يك سو با حاکمانی که تاریخ مصرفشان سالهاست بسر آمده روبرو هستند و از سوی دیگر باندها و دستجات اسلامی از گور برخاسته از نوع داعش به مزاحمینی جدی برای مردم این منطقه تبدیل شده‌اند.

طبق گزارشات و اسناد منتشر شده، اکنون داعش با سرهای بریده اسپران و کشته‌ها فوتبالی بازی

می‌کند، دولت اسرائیل با لت و پار کردن هزاران انسان از زن و کودک بر سرشان بمب می‌ریزد و هر روز جنایت دیگری خلق می‌کند، حماس با ترور و موشک‌پرانی جان انسانها را می‌گیرد، دیگر جریان‌های اسلامی در هر قامت و مدلی قتل، کشتار و آدم‌کشی می‌کنند، دولت‌های عربستان، قطر، ترکیه و برخی دیگر از این دولت‌ها هیزم بسیار این آتش‌مرگبار هستند، حکومت بشار اسد طی يك سال به اندازه يك قرن انسان‌کشی کرد، جمهوری اسلامی حاکم بر ایران روی همه این جنایان را سفید کرد و همه اینها گویای شکست و درماندگی سیاسی و اقتصادی نظام سرمایه‌داری جهانی و گویای بن بست کامل سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای حاکمان تاریخ کنونی است. تا همینجا سرمایه‌داری با تمام مدل‌هایش و دول مرتجع منطقه با اتخاذ سیاست‌های شکست خورده و به بن بست رسیده‌شان نشان داده‌اند که مدتهاست به خط آخر رسیده‌اند و هیچ‌گونه قربانی با تاریخ و زندگی مدرن و تمدنانه حتی انسان يك قرن پیش ندارند. بحران و بن بست سرمایه‌داری جهانی اکنون دیگر رمقی برایش نمانده است. زانوهایش شکسته است و با قدرت سرکوب، مهندسی افکار و تعرض به دستاوردهای کسب شده توسط تلاش و مبارزات مردم و بالاخره با سیاست‌های به بن بست رسیده اش دارد جنازه خود را کشان کشان حمل می‌کند. اکنون دیگر هیچ دولت مرتجع و بحران زده‌ای برای عریضه کش نظم خونین جهانی تره هم خورد نمی‌کند.

چه باید کرد؟

اما این سیمای کل جهان نیست. بشریت مدرن، مترقی، آگاه، سوسیالیست و انساندوست در طول تاریخ زندگی خود دستاوردهای بس عظیمی را داشته است. از اسپارتراکوس و الغای برده‌داری گرفته تا رنسانس، از کمون پاریس گرفته تا انقلاب اکتبر و از جنبش ۹۹ درصدیها گرفته تا انقلابات بهار غربی و بسیاری از دستاوردهای مدرن و انسانی سیمای دیگر جهان است. امید به تغییر و کنار زدن این تعفن، امید برای دنیایی بهتر و امید برای همچون انسان زیستن، نبض تحرك و تکامل بشریت آگاه، مترقی

و سوسیالیست است که هیچگاه در طول تاریخ از کار نخواهد افتاد. این حکم تاریخ بشر است که همانگونه که بقا، تکامل و بهتر زیستن را تا به این مرحله رسانیده است، از این پیچ و از این باطلاق گنبدیده نظام اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داری و با کنار زدن تمام جانوران اسلامی نیز عبور خواهد کرد.

یکی از قدم‌های کارساز و عملی در تغییر وضع موجود و پاک کردن این گنداب و این لکه ننگ در تاریخ معاصر، بزرگ‌ترین نظام جهانی حکومت اسلامی حاکم بر ایران است. انقلاب پیروزمند مردم ایران برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی می‌تواند و قادر خواهد بود سیمای دهشتناک کنونی را عوض کند. پراتیک انسانی نیروهای سوسیالیست، چپ، آزادیخواه، انساندوست و سکولار است که می‌تواند چه در ایران و چه در هر کجای دیگر، این تحول هرکولی را بشمر برساند. مردم ایران و هر انسان آزاده‌ای سالهاست که بصورت متشکل و سازمانیافته در مصاف با این بربریت، در مبارزات و اعتراضات اجتماعی و توده‌ای دخیل هستند. توده‌های مردم، تشکلهای و نیروهای سوسیالیست جدی و مطرح در مبارزه علیه اوضاع موجود، خود را در قبال انسان و انسانیت مسئول می‌دانند. جبهه انسانیت، جبهه آزادیخواهی و برابری طلبی، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌های متشکل، سکولارها و مردم مترقی و مدرن دنیای امروز که ۹۹ درصد این صحنه آرایی را تشکیل می‌دهند، امید و آلت‌رناتیو آرزوهای امروز و آینده در هر نقطه‌ای از جهان هستند. متشکل، سازمانیافته، آگاهانه، خلاق و مبتکر، بعنوان سخنگو و بعنوان نماینده آمال و آرزوهای انسانی شیور ابطال پایان این گنبدگی را باید هر چه رساتر بصدرا آورد. ما می‌توانیم و قادر هستیم این تعفن اسلامی سرمایه‌داری، تعفن ناسیونالیسم و فاشیسم و گنداب نژاد پرستی و راسیسم را در ابعاد پراتیک اجتماعی از زندگی انسانی بزدا کنیم و بر ویرانه‌های آن جامعه‌ای آزاد، برابر و انسانی را پایه‌ریزی کنیم.

۵ اوت ۲۰۱۴

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه‌ای انسانی!**

مصاحبه نسرین رضانعلی با محمد استگران

در عراق و ایران هم به همین صورت متفاوت است. اینها همان کشورهای "مستقل" هستند و قوانین ویژه خود را دارند. مساله این است که دولت‌ها و قدرت‌ها غربی یا با یک دولتی دوست هستند و میخواهند که در قدرت بماند و اگر نتوانستند انقلابها را مدیریت میکنند و نیروی خارج از محدوده حاکمیت دیکتاتور سابق که تابع و همکار سیاست غرب باشد به قدرت برسد، یا مانند عراق یک حکومت موزاییکی بر اساس تئوری های پست مدرنیستی "تامیندگان" مذاهب، اقوام و ملیت‌ها مختلف را کنار هم می‌گذارند و می‌گویند این دمکراسی است. با این سیاست و با این دمکراسی آن بلا را سر آن جوامع آورده اند که میبینیم.

نسرین رضانعلی: گفته میشود که خیلی از جنگ‌ها یکی از مولفه‌های اصلی آن بحران اقتصادی می‌باشد. در صحبت‌ها اشاره کردید که از سال ۲۰۰۸ جهان با یک بحران اقتصادی مواجه شد که من فکر می‌کنم این بحران هم اقتصادی هم سیاسی می‌باشد و بورژوازی به بن بست رسیده است. به نظر شما آیا بعد از ۱۱ سپتامبر که جنگ به قلب غرب آمد، اکنون میخواهند این جنگ را به مناطقی مانند آفریقای شمالی و خاور میانه ببرند و جهان غرب از جنگ و آشوب دور بماند.

محمد استگران: اینکه جنگ‌هایی اتفاق افتاده که دلیل آن حل بحران اقتصادی معینی مد نظر بوده یک موضوع است اما اینکه غرب جنگ را از کشورهای خود به کشورهای دیگری منتقل کرده است مسئله دشگری است. ببینید انتقال جنگ و نه جنگ به خاطر حل بحران اقتصادی خودش یک تئوری است که از قدیم وجود داشته و بخشی از متفکرین چپ هم این تئوری را ارائه داده‌اند. اما من اعتقادی به این تئوری ندارم. چون بورژوازی به دنبال منافع خودش است به دنبال سود است. در جاهایی مانند اروپا و آمریکا به این صورت نبود که یک نیرو و قدرتی برای سرنگونی آماده باشد

پست مدرنیسم است. بحث این است که این تئوری امروز در اروپا بی‌اعتبار شده اما هنوز تبعات آن را میبینیم. بر اساس این تئوری فرهنگ‌های مختلف مذاهب مختلف اقوام مختلف ملیت‌های مختلف هر کدام حق دارند به اندازه وسعت، قدرت و نفوذ خود در اداره جامعه سهم داشته باشند. بنابراین استدلال این تئوری این شهروندان نیستند که تصمیم میگیرند چه حکومتی و چگونه حکومتی داشته باشند. بلکه چهارچوبهای فرهنگی، مذهبی و ملی که هر کدام نمایندگان خودگمارده دارند باید تعیین کنند باشند.

اگر میبینیم که در دوره ای انقلاب در فرانسه به وقوع پیوست و بورژوازی نوپای آنجا می‌گوید که حکومت باید سویل و مدنی باشد. شهروندان میتوانند تعیین کننده سرنوشت خود باشند و... امروز اما بورژوازی خود از آن اهداف عقب نشینی کرده است. به مدافع اقوام مذاهب و ملیت‌های مختلف در حکومت تبدیل شده و اسم اینرا دموکراسی گذاشته اند. کسی که در این کشورها از دمکراسی حرف میزند باید بداند که از این نوع دمکراسی دارد حرف میزند. با این سیاست دارند ریشه تمدن و انسانیت را در جامعه از بین میبرند. امروز جنگ‌ها و حکومتها و جریان‌ها مذهبی در افغانستان، سوریه، عراق و... نتیجه این سیاست هستند.

اما اینکه چرا به انقلاب مردم رضایت نمی‌دهند خوب آشکار است که چرا رضایت نمی‌دهند. در کشوری مانند ایران در انقلاب ۵۷ از ترس جنبش و جریان‌ها چپ، رضایت دادند که خمینی به قدرت برسد. چون نتوانستند شاه را در قدرت نگاه دارند و نمیخواستند یک نیروی سکولار و چپ هم به قدرت برسد. اگر در کشوری مانند مصر اجازه دادند مرسى به قدرت برسد به خاطر اینکه نتوانستند مبارك را در قدرت نگاه دارند، در سوریه و لیبی داستان متفاوت بود همچنان که

ما اگر صحنه سیاسی منطقه خاورمیانه را نگاه کنیم میبینیم که بحران عراق فقط بخشی از آن است. در سوریه هم به همین صورت و حتا در حال حاضر وخیم تر از عراق است و دامنه این بحران میتواند وسیعتر نیز بشود. این وضعیت در دل شرایط خاصی به وجود آمده است که مولفه‌های آن جهانی و منطقه ای است. اگر این شرایط را محدود به عراق ببینیم دچار اشتباه شده ایم. کسانی این طور تحلیل کردند که چون مالکی خوب حکومت نکرد این شرایط به وجود آمد و یا گفتند داعش از طرف سوریه قدرت گرفت و به عراق آمد و این بحران عراق با طرح آگاهانه خود مالکی بوده است و... اگر چه اینها بخشی از ظواهر آن تحولات ممکن است باشد، اما واقعیت چیز دیگری است. از قسمت اول

نسرین رضانعلی: چرا حکومت‌های ملی و مذهبی در این کشورها به قدرت میرسند و غرب به این نوع حکومت‌ها رضایت میدهد اما در کشورهای که مردم به میدان آمدند و انقلاب کردند حکومت‌های دیکتاتور را سرنگون کردند باب طبع آنها نیست؟

محمد استگران: ببینید این دو دلیل دارد اول اینکه این نیروهایی که در مقابل انقلاب مردم می‌ایستند چه در اپوزسیون چه پوزسیون عمدتاً متحدین دولتهای غربی هستند. مانند مبارك که میخواستند او را نگاه دارند. هنگامیکه متوجه شدند که نمیتوانند او را نگهدارند، یک قدم عقب نشستند و به جریانی مانند اخوان المسلمین رضایت دادند. در جایی مانند عراق که اپوزسیون جریانات ناسیونالیست و اسلامی و مذهبی بودند میبینیم که با غرب کار میکنند. این یک نوع پراگماتیسم دول غرب است که با امکانات موجود حرکت میکنند. دلیل دوم هم نوع تئوری است که در دنیا وجود دارد که اسمش

از صفحه ۱

فاجعه بمباران شیمیایی...

دست داده‌اند. مرگ مصدومین شیمیایی در ایران و عراق توسط دو رژیم جنایتکار رژیم بعث عراق و جمهوری اسلامی جنایت‌اشکار است. با سپری شدن بیش از ۲۶ سال از فاجعه بمباران شیمیایی شهر نودشه، جمهوری اسلامی در قبال وضعیت زندگی مصدومین بمباران شیمیایی با بی تفاوتی برخورد کرده و عملاً برای آنها کاری انجام نداده است. مصدومین شیمیایی نودشه با تقبل مبالغه‌گفتنی هزینه درمان و مراقبت‌های پزشکی را بعهده گرفته اند. بمباران شیمیایی شهرهای کردستان در طول جنگ ارتجاعی ایران و آوارگی هزاران نفر از مردم شهرها و از دست دادن خانه و زندگی، از دست دادن شمره رنج و کار و اندوخته زندگی‌شان و جانبختن هزاران نفر از مردم این شهرها جنایت‌های رژیم فاشیسم اسلامی علیه مردم در ایران است.

جمهوری اسلامی باید زندگی تمام مصدومین بمباران شیمیایی شهرنودشه را تامین کند. برخورداری از تمام امکانات رفاهی و پزشکی با تامین مالی برای مصدومین حق انکار ناپذیر آنها است. مردم سکوت نکنید. نگذارید مصدومین شیمیایی ارتجاعی ترین جنگ تاریخ بشریت جان خود را از دست دهند! از آن تعداد مصدومینی که زنده هستند حمایت کنید. از نهادها و ارگانهای رژیم اسلامی بخواهید در حفظ جان آنها با تامین بیشترین امکانات درمانی و رفاهی و مسکن و هزینه زندگی مصدومین را تحت پوشش قرار دهد. جمهوری اسلامی یکی از جنایتکارترین نظام‌های سیاسی در دنیا است. حاصل وجود این فاشیسم اسلامی جنگ و فقر و بیکاری و اعدام است.

که بخواهد قدرت را از دست این دولت‌ها در بیاورد و برای آن بجنگد و جهان غرب بخواهد در گوشه دیگر از جهان جنگی راه بیاندازد که این موضوع فراموش شود و بحران حکومتی را از سر بگذرانند. به نظر من به این شکل نیست این یک تئوری توطئه است که چپ‌های سنتی به آن عقیده داشتند. به نظر من بحث فراتر از آن است و واقعیت این است که این تئوری در اینجا کاربرد ندارد.

اکنون در جهان غرب شعار سرنگونی و یا جنگ وجود ندارد و برای مردم این شعار غریب است. به خاطر اینکه این‌ها مردم را در یک دوره طولانی به این صورت عادت داده‌اند که از راه پارلمان و

از صفحه ۳ مصاحبه نسرین رضاعلی با محمد استگران

دنیای غرب چرا بحث سرنگونی و انقلاب و جنگ با حکومت به شکل توده ای نیست. به نظر من به این خاطر که در این کشورها حق و حقوق اولیه شهروندی تا حدودی رعایت میشود. اما در دیگر نقاط مانند آمریکای لاتین آفریقا و آسیا مردم از حقوق اولیه که در دنیای غرب وجود دارد محروم هستند.

امروز امکانات اطلاع رسانی و رسانه‌های اجتماعی طوری شده است که مردم در همه جای جهان تحولات را دنبال میکنند مردمی که در مصر هستند با خودشان فکر میکنند که ما چرا نباید مانند کسی که در فرانسه زندگی می‌کند زندگی کنیم. جوان ایرانی می‌گوید که من هم می‌خواهم مانند جوان آمریکایی زندگی کنم. چرا من نمیتوانم به میل و علاقه خود لباس بپوشم. بالاخره توفعاتی به وجود می‌آید. به این صورت امروز دیگر نمیتوانند از آن کمبود آگاهی که وجود داشت و با آن خمینی را به کره ماه بردند سر مردم شیره بمانند. بی‌بی‌سی با یک برنامه کوتاه رادیویی افکار مردم ایران را مهندسی کرد. البته با اتکا به زمینه‌های واقعی که در جامعه ایران وجود داشت. چون می‌دانستند شاه را نمیتوانند در قدرت نگاه دارند، خمینی را به مردم تحمیل کردند. جمهوری اسلامی نیروی اداره جامعه نبود.

برای بورژوازی نیروی سرکوب انقلاب بود. ولی از روز اول تا کنون چون جایگزینی برای آن ندارند مجبورند که با آن کنار بیایند. فعلا با فشار آوردن، تحریم کردن و تضعیف کردن پیش می‌روند تا ببینند کی می‌توانند از درون تضعیف و استحاله و یا در نهایت نیروی مورد نظر خود را جایگزین کنند.

نسرین رضاعلی:

بنابر این شما در این مورد که دولت‌های غربی می‌خواهند جنگ را به نقاط دیگر منتقل کنند موافق نیستید.

محمد استگران: بله موافق نیستم چون آنجا جنگی نبوده که منتقل کنند. اما با این بخش موافق هستم که سعی میکنند بحران خود را منتقل کنند چون این عملی تر است.

نسرین رضاعلی: روشنتر توضیح بدهید در حالی که بحران در ابعاد جهانی وجود دارد چطور امکان دارد که این قدرت‌ها بتوانند بحران خود را به دیگران منتقل کنند.

محمد استگران: اصلا لازم نیست که این قدرت‌ها کاری انجام دهند. این بحران خود بخود منتقل میشود به خاطر اینکه مکانیزم سرمایه یعنی تولید و توزیع امروز جهانی است. یعنی تمام اوراق مالی و کارخانه‌ها به هم وصل هستند تمام منابع و سرمایه‌ها به هم وصل هستند. حتا اگر بخواهند نمیتوانند جلو آن را بگیرند به این معنا تلاش میکنند در آن کشورها شرایطی فراهم بشود که امکان تصویب قوانین به نفع مردم و حقوق مردم صورت نگیرد و از این طریق آنها به اهداف خود برسند. هر اندازه دستمزد پایین و مواد اولیه ارزان باشد به همان اندازه کشورهای صنعتی امکان و توان کنترل و مدیریت بحران اقتصادی خود را راحت تر میتوانند انجام بدهند.

مثلا در جایی مانند عراق که این بلا را بر سرش آورده اند نگاه کنید. از یک طرف مردمی بی حقوق و جامعه ای ویران و بی آینده تحویل داده اند، از طرف دیگر از منابع نفتی دیگر منابع طبیعی این کشور استفاده میکنند. در جایی مانند عربستان که یکی از متحدین آمریکا است سیستم حکومتی آن قرون وسطی است اما از لحاظ اقتصادی از انرژی آن استفاده میکنند. در نقاط دیگر اگر برای رحیم چنین شرایطی لازم باشد حتا به کودتا دست میزنند، جنگ راه میاندازند. از این طریق سعی میکنند هم به اهداف سیاسی خود برسند و هم بر اقتصادی که وجود

دارد با محروم کردن اکثریت جامعه بخشی از سرمایه داران را بزرگ کرده و بر آن تسلط پیدا کنند. همچنانکه مشاهده میکنید اختلاف طبقاتی در این کشورها خیلی بیشتر از آمریکا و اروپا است. در این کشورها فقر مطلق و انباشت سرمایه نامحدود را میبینید.

اما در دنیای غرب مردم و طبقات پایین جامعه توانسته اند با مبارزات خود تا مین حد اقل‌های زندگی را به طبقه حاکم تحمیل کنند. اما در کشورهایی که جهان سوم گفته میشود چنین نیست. سرمایه و فقر تا بی نهایت رشد میکنند.

نسرین رضاعلی: در دل چنین جوامعی اتفاقات سیاسی عجیبی هم اتفاق میفتد اجازه بدهید به نمونه هایی از آنها بپردازیم. همزمان با مساله اوکراین نیروهای داعش پیشروی خود را از سوریه به سوی عراق شروع کردند فکر نمیکنید خود این مساله يك سناریوی دنیای امروز باشد که می‌خواهند جنگ را به این جوامع منتقل کنند.

محمد استگران: من فکر نمیکنم که این يك سناریو انتقال جنگ باشد. به نظر من این مساله حاصل تعادل قوای بعد از شکست آمریکا در عراق است. آمریکا می‌خواست اسد را سرنگون کند بارها اعلام کرد که اسد باید برود. اما نتوانستند. یا بهتر بگویم نیروها و قدرتهای دیگری به حمایت اسد شتافتند و نگذاشتند سرنگون بشود. دولتهای غربی با پمپاژ کردن پول و سلاح به وسیله اروپا، ترکیه، قطر و عربستان جریانات مرتجع اسلامی را تقویت کردند که اسد متحد جمهوری اسلامی سرنگون بشود. قرار بود به جای اسد يك حکومت متحد عربستان و ترکیه قدرت را در سوریه به دست گیرد. اما این پروژه شکست خورد. آنچنان که یکی از سیاستمداران آمریکا گفته بود که ما در سوریه تحقیر شدیم. به عبارتی دیگر رقابت این دولتها در کشورسوریه اکنون به رقابتی منطقه‌ای تبدیل شده است. هر کدام از این کشورها پشتوانه جهانی خود را دارند. بنابر این میتوان گفت این رقابت ابعادی جهانی پیدا کرده

از صفحه ۱

مانیفست جوانان غزه ...

ما از این که گرفتار این مبارزه سیاسی شده ایم، بیزاریم؛ بیزاریم از شب‌های تاریک و قیرگون و هواپیماهایی که بر فراز خانه هایمان چرخ می‌زنند؛ بیزاریم از کشتار کشاورزان بی گناهی که در منطقه بی طرف مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند زیرا می‌خواهند از زمین‌هایشان مراقبت کنند؛ بیزاریم از آدم‌های ریشو که با تفنگ‌هایشان در خیابان‌ها گشت می‌زنند، از قدرت‌شان سوءاستفاده می‌کنند و جوانانی را که برای اهداف مورد اعتقادشان تظاهرات می‌کنند، کتک می‌زنند و یا به زندان می‌اندازند؛ بیزاریم از دیوار شرم آوری که ما را از سایر قسمت‌های کشورمان جدا کرده و ما را در قطعه زمینی بس کوچک حبس کرده است؛ بیزاریم از این که ما را تروریست‌ها و خشک مغزان کوتاه بینی بنامند که در جیب‌هایمان مواد منفجره و در چشم‌هایمان شرارت نهفته است؛

بیزاریم از بی تفاوتی جامعه بین‌المللی نسبت به وضعیت ما، از به اصطلاح کارشناسانی که نگرانی‌ها را بیان می‌کنند و قطع نامه صادر می‌کنند اما از عملی کردن هر آنچه که مورد توافق‌شان است می‌هراسند؛ ما از این زندگی گند و کثافت، از زندانی شدن توسط اسرائیل، از کتک خوردن توسط حماس و از نادیده گرفته شدن کامل توسط سایر قسمت‌های جهان بیزاریم. انقلابی در درون ما در حال رشد و نشو و نماست، نارضایتی و سرخوردگی عظیمی که ما را نابود می‌کند مگر آن که راهی برای هدایت این انرژی عظیم به سوی چیزی پیدا کنیم که بتواند وضع موجود را به چالش بکشد و نوعی امید در دل‌های ما بدمد.

ما به زحمت حمله اخیر اسرائیل به غزه را تاب آوردیم، حمله ای که طی آن اسرائیل ما را سخت دردم کوبید و خرد و خمیر کرد و هزاران خانه و زندگی و آرزو را

نابود نمود. در جریان این جنگ، ما به این احساس خطناپذیر رسیدیم که اسرائیل می‌خواهد ما را از صفحه گیتی محو کند. در سال‌های اخیر، حماس هر کاری خواسته است کرده تا بتواند اندیشه‌ها، رفتار و انتظارات ما را کنترل کند.

ما اینجا در غزه نگران آنیم که به زندان بیفتیم، بازجویی شویم، کتک بخوریم، شکنجه شویم، بمب بر سرمان بریزد و کشته شویم. ما می‌ترسیم زندگی کنیم، زیرا برای هر قدمی که در هر مورد برمی‌داریم باید کلی فکر کنیم که نکند برایمان عواقب ناگواری داشته باشد. همه با محدودیت رویه روییم. نمی‌توانیم آن‌طور که می‌خواهیم عمل کنیم، آن‌طور که می‌خواهیم حرف بزنیم، نمی‌توانیم کاری را که دوست داریم بکنیم، گاه حتی نمی‌توانیم آن‌طور که می‌خواهیم فکر کنیم زیرا اشغال سرزمین با چنان شدتی ما را در چنگال خود فشرده که مغزها و قلب‌هایمان را به درد آورده و ما را واداشته که خود را به دریای اشک حرمان و خشم بسپاریم!

دیگر بس است! بس است درد، بس است اشک، بس است رنج، بس است کنترل، محدودیت، توجیه‌های ناموجه، ترور، شکنجه، بهانه، بمباران، شب‌های بی خوابی، غیرنظامیان مرده، خاطرات سیاه، آینده یاس آور، حال دردناک، سیاست آشفته، سیاستمداران خشک مغز، مزخرفات مذهبی، بس است زندان! ما می‌گوییم بس کنید! این آینده ای نیست که ما می‌خواهیم! ما سه چیز می‌خواهیم. می‌خواهیم آزاد باشیم. می‌خواهیم زندگی بهنجار داشته باشیم. می‌خواهیم در صلح زندگی کنیم. آیا مطالبه این‌ها چیز زیادی است؟

از صفحه ۴ مصاحبه نسرین رضانعلی با محمد استگران

است. به این معنا داعش حاصل این وضعیت است، نه اینکه کسی یا گروهی این سناریو را طرح ریزی کرده است. می دانم که عربستان داعش را تقویت کرده و هنوز هم آنرا پشتیبانی می کند. اما همان عربستان هم نگران است که فردا داعشی های عربستان پادشاه آن کشور را سرنگون نکنند. سعی میکنند که منطقه نفوذ خود را به عنوان قطب اسلام سیاسی سنی در مقابل قطب سیاسی شیعه که در رأس آن جمهوری اسلامی قرار دارد در عراق حکومت را به نفع متحدین خود جابجا کنند.

نسرین رضانعلی: نقش قطر در این میان چیست؟

محمد استگران: قطر يك سرمایه عظیم از درآمد نفت و توريسم و بازار کالاهای پرفروش دارد. با يك جمعیت کم امکان مانور زیادی پیدا کرده است. این کشور هم از طریق رسانه رسمی خودش که الجزیره است و چندین کانال مهم و پر بیننده را توانسته سازمان بدهد هم از طریق پول نفت سعی می کند رقبای منطقه ای را از میدان بدر کند. حتی در جاهایی برای عربستان هم شاخ و شانه می کشد.

نسرین رضانعلی: من عنوان کردم که این اتفاقات سناریوها طراحی شده است آیا تنها قطر از لحاظ پولی دستش باز است؟ چرا باید داعش را حمایت کند؟ داعش که قرار نیست از لوله های نفت قطر نگهبانی کند.

محمد استگران: مساله این است که جمهوری اسلامی در عراق و سوریه متحدینی دارد که قدرت ق حاکمیت در دست آنها است. کشوری مانند قطر و عربستان و ترکیه و... می خواهند که در این کشورها کسانی قدرت را در دست بگیرند که متحدین آنها باشند. اتفاقا اینها نمیتوانند تا آخر پای حمایت از داعش بایستند. اینها در دل این بحران به دنبال يك حکومتی هستند که بتوانند امنیت سرمایه را حفظ کند و همزمان متحد آنها هم باشد. حکومتی که خارج از دایره نفوذ

جمهوری اسلامی باشد. اکنون حتی در مورد توافق احتمالی برنامہ هسته ای ایران و غرب عربستان و قطر و... به شدت نگران هستند که امکان تضعیف جمهوری اسلامی از جانب آنها کم بشود. بحث بر سر دایره نفوذ است.

قبلا جامعه جهانی کم و بیش نقش رهبری آمریکا را يك وزنه مهم تعادل بین کشورها محسوب میکرد. آمریکا هم سعی میکرد این نقش را ایفا کند. اما اکنون آن "رئیس" و آن قدرت شکست خورده است. ابهت آمریکا آنچنان که برای مخالفتش به زیر سوال رفته برای موافقتش هم به همین صورت درآمد است. نه تنها عربستان و ترکیه و... بلکه مسعود بارزانی که چند ده هزار نیروی پیشمرگ دارد و يك چاه نفت به دستش افتاده است اعلام کرده که آمریکا بخواهد یا نخواهد ما کار خودمان را می کنیم! می خواهم بگویم که دنیا وارد فاز تازه ای شد است. این دنیای امروز است دنیای دیگری است. جهان امروز با جهان ده سال و حتی پنج سال قبل بسیار متفاوت است. کسی که این تفاوتها را نبیند نمیتواند تحولات این دوره را درست ببیند. به نظر من این وضعیت تا دوران تثبیت تعادل قوای دیگری میتواند سالهای سال ادامه پیدا کند و مردم را کشتار کنند. تا کی این وضعیت ادامه دارد باید دید که نیروهای دخیل و بازیگران این صحنهها از يك طرف و مردم از طرف دیگر تعیین میکنند.

نسرین رضانعلی: بنابر این این نیروها در يك طرف و در مقابل آنها نیروی دیگری که ما به آن اتکا می کنیم مردم هستند من یادم هست که زمانی که قرار بود آمریکا به عراق حمله کند در ابعاد میلیونی در سراسر جهان مردم به خیابان آمدند و علیه این سیاست آمریکا اعتراض کردند اما آمریکا به عراق حمله کرد و کشتاری را شاهد بودیم که هنوز هم ادامه دارد و بیش دو ده است که عراق روی آرامش را ندیده است بحث بر سر این موضوع است که بهار عربی را توضیح دادید که به چه نتایجی رسید بشریت متحمل که قرار است به تروريسم اسلامی و

تروريسم دولتی پایان بدهد کجا و چگونه میتواند این کار را انجام دهد.

محمد استگران: در آن دوره يك مساله این بود که يك رژیمي مانند عراق بود با يك حاکم دیکتاتور مطلق به اسم صدام حسین، از آن طرف هم يك نیروی نظامی به نام آمریکا بود. مردم فکر میکردند اگر با این جنگ مخالفت کنند میتوانند جلوی حمله و جنگ را بگیرند و در ابعاد میلیونی به خیابانها آمدند نه در دفاع از صدام حسین در مخالفت با سیاست آمریکا، که می خواست مردم را قربانی و به خاک سیاه بنشانند که این اتفاق افتاد. این يك انگیزه ای در مردم ایجاد کرد که فکر میکردند چون قانونی وجود دارد و دولتی وجود دارد تا اندازه های تثبیت شده است می توان با فشار اعتراض جلوی این سیاست جنگی را گرفت.

در بسیاری موارد مردم از این راه موفق شده اند که قدرتهای سیاسی و نظامی را به عقب برانند. اما اکنون در عراق يك طرف داعش است يك طرف مالکی و جمهوری اسلامی هستند اینها با هیچ مقرراتی با هیچ قانونی نمی توان به عنوان نیرویی به حساب بیایند که اگر اعتراضی بشود ممکن است اینها از این سیاست کوتاه بیایند. هرچند که آمریکا هم کوتاه نیامد و جواب اعتراضات مردمی را نداد اما شکست امروزش یکی از پیامدهای آن سیاست بود. تاوان این سیاست جنگی را پرداخت کرد. آمریکای قدر قدرت که جواب سازمان ملل را هم نداد رفت و به عراق حمله کرد صدام حسین سقوط کرد. اما خودش هم شکست خورد. اکنون مردم بر علیه داعش در ابعاد میلیونی به خیابان نمی آیند چون میدانند داعش چه کسانی هستند. داعش نیرویی است که با هیچ معیاری در تمدن بشر نمی تواند تصور کرد که اینها از اعتراضات مردم در سطح جهانی تاثیرپذیرند. اما میشود به دولتها و قدرتهای جهانی اعتراض کرد که به آنها کمک نکنند و علیه آنها مردم عراق و سوریه را یاری دهند.

نسرین رضانعلی: در صحتیایاتان گفتید که داعش خود دست پرورده عربستان سعودی و قطر

و ترکیه است آیا میشود گفت که بشریت متحمل نه بر علیه يك گروه تروريستی بلکه بر علیه اسلام سیاسی و دولتهای که از این گروهها حمایت میکنند به میدان بیاید.

محمد استگران: مشکل از اینجا شروع می شود که ما با تحلیل و تفسیر به جمهوری اسلامی و عربستان میرسیم که رهبران دو شاخه اسلام سیاسی هستند. اما مردم جهان با تحلیل به میدان نمی آیند تحلیل و تفسیر يك بحث است واقعیت قابل قبول برای مردم يك بحث دیگر، مردم می بینند که در عراق مالکی و داعش با هم درگیر هستند خوب نمیتوانند در دفاع از یکی بر علیه آن یکی دیگر اقدام کنند.

نسرین رضانعلی: ولی میتوان جبهه سوم را تقویت کرد.

محمد استگران: جبهه سوم مردم هستند. بشریت متحمل اینجا معنی پیدا می کند. در دفاع از مردم و بر علیه تمام مرتجعان آدم کش می توان به میدان آمد. اتفاقا جریانات چپ و آزادی خواه و جریانات انسان دوست حتی اتحادیه های کارگری همه اینها برای حفظ حداقل مدنی و حداقل حقوق مردم باید از مردم سوریه و عراق دفاع کنند. يك روزی باید به این نتیجه برسند که اینها انسان هستند که به این صورت کشتار میشوند. داعش يك جریان تروريستی است که از عربستان و قطر پول می گیرد آموزش نظامی را از افسران سابق صدام می گیرد و از اعتراضاتی که در جامعه هست بر علیه حکومت استفاده می کند و این اقدامات را صورت میدهد که جامعه را به دوران توحش برگرداند.

در موصل هدفشان آزاد کردن زندان بوده است اما ارتش عراق عقب نشینی کرد و این وضعیت به وجود آمد که داعش از آن بهره مند شد. چرا ارتش عقب نشینی کرد چون ارتشی که آمریکا و دولت عراق سرهم بندی کرده بودند فرماندهانش عمدتا از فرماندهان دوران صدام حسین بودند. ناراضی بودند از طرف دیگر همه احزاب سیاسی و نظامی عراق همه در رقابت با همدیگر هستند نه مردم و نه حتی ارتش به آنها اعتماد نمیکند. احزاب حاکم

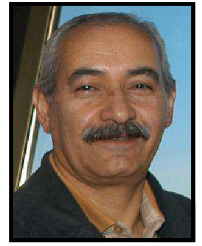
حتا در پارلمانشان نمیتواند يك جلسه بدون درگیری برگزار کنند. حکومتهای بورژوازی در جایی مانند ترکیه یا حتی پاکستان بالاخره پارلمان کار می کند در عراق حتی این هم عملی نیست. به این خاطر که این حکومت موزایکی مذهبی قومی که درست شد هر کدام به نفع خود در رقابت با کنار دستیش میخواهد خود را تقویت کند.

تمام حقوق مردم هم پایمال و نادیده گرفته شده است. مردم پس از صدام نه صاحب خانه شدند نه رفاه و نه امنیت. همان چیزی را هم که داشتند از دست دادند. در این شرایط اگر يك نیروی انقلابی در میدان نباشد مردم برای سرنگون کردن حکومت به هر نیروی ارتجاعی پناه میبرند. همین امروز در ایران خیلی از مردم می گویند هر کس به قدرت می رسد مهم نیست فقط

جمهوری اسلامی برود. این شرایط مردمی است که خسته شده اند خطرناکترین شرایط برای هر جامعه ای این است که مردمش ناراضی هستند اما مکانیسم تغییر حکومت را نمیتواند بکار بگیرند. از طریق تشکلهای و احزاب نمیتوانند حرف خود را به حاکمیت بگویند و آنرا تغییر بدهند. در چنین شرایطی پناه میبرند به هر نیروی خارج از قدرت موجود. در عراق اینطور شد. که آمریکا حمله کرد و امروز هم تکرار همان داستان است. يك بار به آمریکا پناه بردند اینبار به داعش پناه برده اند کسی هم نیست که از نظر سیاسی مردم عراق را نمایندگی کند. مردم هم اگر نماینده سیاسی نداشته باشند به جایی نمی رسند. من شك ندارم اگر يك نیروی انقلابی و آزادی خواه و معترض بود این خواسته های مردم را فرموله میکرد و کار میکرد برای اینکه مالکی را سرنگون کند مردم به دنبالش می رفتند.

نسرین رضانعلی: فکر نمیکنید که مردم عراق کشورهای همسایه را می بینند که مردم در ابعاد میلیونی به میدان آمدند اما تغییری در شرایط زندگی آنها رخ نداد و اکنون نا امید شده باشند؟

تنها جبهه سوم می تواند!



عبدل کلپریان

جهانیان با پیمودن فرسنگها راه روانه کوره های آدم سوزی میگرد، اما سیستم نژاد پرست و تا دندان مسلح و مجهز به سلاحهای پیشرفته حکومت اسرائیل در روز روشن و در مقابل چشم جهانیان، کوره های آدم سوزی پیشرفته را از فرسنگها آنطرفتر و از راه هوا بر سر مردم فلسطین می کوبد.

آنسوی دیگر جریان اسلامی حماس است که با تقویت و پشتوانه مالی و تسلیحاتی رژیم اسلامی، همین بربریت را علیه مردم اسرائیل و در سه هفته اخیر با پرتاب ۲۷۰۰ راکت بر سر مردم اسرائیل از خود بنمایش گذاشته است.

سازمان ملل، دولت آمریکا و برخی دیگر از سران حکومتها، تنها کشتار ۱۷ تن در یکی از مکانهای اختصاص یافته سازمان ملل به پناه گرفتگان را محکوم کردند. گویا کشتار ۱۲۴۵ انسان بی دفاع توسط نیروها و سلاحهای دولت اسرائیل که حماس از آنان بعنوان سپر دفاعی استفاده کرده است و هزاران زخمی و دویست هزار پناه گرفته در غزه را نباید محکوم کرد؟! این ریاکاری سازمان ملل، آمریکا و دیگر دول هم پیمان را باید در میان افکار عمومی افشا و رسوا کرد. دولت اسرائیل به بهانه "حق دفاع از خود" بی شرمانه مردم فلسطین را قتل عام می کند و جریان اسلامی حماس با راکت پرانی بر سر مردم اسرائیل، جان و زندگی مردم، زنان و کودکان بی دفاع فلسطین را دستمایه تقابل خود با دولت اسرائیل قرار داده است.

مردم فلسطین، مردم اسرائیل، مردم عراق، سومالی افغانستان و شهروندان دیگر کانونهای بحرانی در گوشه و کنار جهان، قربانیان سیاست نژاد پرستانه دولت اسرائیل، تروریسم اسلامی حماس و جمهوری اسلامی، دیگر باندها و جریانات اسلامی زاده شده در پرتو سیاستهای شکست خورده قبل و بعد از نظم نامیمون جهانی آمریکا و متحدینش هستند. اوضاع دهشتناک عصر حاضر پوسیدگی و گنبدگی سیاستهای شکست خورده دول فحیمه سرمایه داری را بخوبی نشان می دهد که مردم فلسطین، مردم عراق، مردم سوریه، افغانستان و مردم دیگر مناطق مشابه در چهار گوشه جهان را در خون و آتش به این حال و روز انداخته است.

اوضاع هولناک کنونی در این مناطق و بخصوص این روزها دیدن تصاویر و اخبار شرایط و موقعیت دهشتناک مردم فلسطین و غزه، هر انسان آزاده ای را دچار بهت و حیرت کرده است. جنایات تاریخی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین روی حکومت نازیها در آلمان را سفید کرده است. اگر دولت آلمان نازی انسانها را در خفا و بدور از چشم

گفته میشود: "دولت اسرائیل جنایت بیشتری مرتکب شده و باید وزنه تعرض و محکومیت علیه آن بیشتر باشد". این تحلیلهای چپ وامانده و ضد امپریالیست است که هر بار با شمارش تلفات بیشتر و با این چرتکه انداختن ها مدام خود را نه در کنار مردم فلسطین و مردم اسرائیل بلکه خود را در کنار جریان ارتجاعی حماس یافته است. برای رسوا کردن این سردرگمی و درماندگی و برای روشن ساختن هر چه بیشتر افکار جبهه مردم آزادیخواه باید خاطر نشان ساخت که جریانات اسلامی نظیر حماس در فلسطین، حزب الله در لبنان، دایناسورهای از گور برخاسته در جمهوری اسلامی، داعش، طالبان، القاعده و غیره که همگی تولیدات عرضه شده توسط سیاستهای شکست خورده و به بن بست رسیده دولتهای سرمایه داری و در راس آنها آمریکا هستند، اگر بیشتر از دولت اسرائیل علیه بشریت جنایت نکرده باشند، تا کنون از هیچ توحشی علیه انسان و انسانیت کوتاهی نکرده اند. بگفته مقامات حکومت اسلامی حتی با "ریختن اسرائیل به دریا"، جانوران اسلامی همچنان قابلیت جنایات بیشتر از اینها علیه مردم را دارند. در کشتار ۱۲۴۵ انسان طی سه هفته اخیر در غزه توسط نیروهای دولت اسرائیل، هم دولت اسرائیل و هم جریان اسلامی حماس و نیروها و دولتهای حامی هر دو طرف درگیر در این جنگ و در کشتار مردم بی دفاع سهیم و شریک هستند. جبهه سوم در میان مردم اسرائیل علیه دولت اسرائیل و حماس این توحش را محکوم می کند. جبهه سوم در فلسطین و نوار

غزه نیز بربریت این دو نیروی ارتجاعی و ضد انسان را محکوم می کند. این صدا را باید در میان مردم اسرائیل و مردم فلسطین و همچنین در میان افکار بین المللی رساتر و قدرتمندتر کرد.

محمد استگران: این هم میتواند تأثیری برافکار مردم داشته باشد. مشخصا در ایران این تأثیر را داشته است وقتی مردم سوریه و مصر را می بینند، فکر میکنند که نکند ما هم به این سرنوشت دچار شویم و وضع از این هم بدتر بشود. این مساله و این برداشت از تحولات دو سال گذشته بر افشاری از مردم تأثیر گذاشته است. چون در عراق بهار عربی شروع شد ولی خونین کردن انقلاب سوریه و تبدیل کردن سوریه به یک سناریوی سیاه مردم عراق را به خانه فرستاد. اکنون این شرایط به وجود آمده است. اما ایران یک تفاوت مهم با دیگر کشورهای مورد بحث دارد. اول اینکه در ایران اسلام در قدرت است و امکان تحمیق مردم را ندارد. دوم اینکه ایران تنها کشوری در منطقه است که در تاریخ معاصر دو انقلاب را تجربه کرده است. فاکتور سوم این است که نیروهای کمونیست و آزادی خواه ریشه دارتر هستند. در

هر دوی سوی این جبهه نژاد پرست و تروریسم اسلامی و ارتجاعی باید با اعتراضات وسیع و گسترده از سوی جبهه سوم، از سوی

از صفحه ۵ مصاحبه نسرین رضاعلی با محمد استگران

عراق و سوریه و... اینطور نبود و نیست و یا اگر هم هست بی نفوذ هستند و دیده نمیشوند. نیروهای چپ و انقلابی آن کشورها حتا یک رسانه متوسط هم ندارد که حرفهای خود را به گوش جامعه برسانند. آن چیزی که مردم عراق و سوریه میشوند و می بینند یا رسانه های بین المللی است یا رسانه جریانات قومی ناسیونالیستی و مذهبی است. اکنون تمام جریاناتی که در جامعه نفوذ دارند ماه رمضان را تقدیس میکنند. از طالبانی و بارزانی بگیرند تا مالکی و داعش همه اینها در یک نقطه مشترک هستند و آن اینکه ماه رمضان برایشان مبارک است. اما در همین ماه رمضان سرانسانها را میبزنند اسلامیها آنها دستور خدا و پیامبر خود میدانند. اگر مردم در عراق راه سومی را انتخاب نکنند و در برابر اینها نایستند از وضعیت سوریه و افغانستان بدتر خواهد شد و همین حداقلی که الان وجود دارد از بین خواهد رفت.

مردم مترقی، انسان دوست و آزادیخواه دنیا شدیداً محکوم شود. تنها جبهه سوم، جبهه انسانیت، جبهه بشریت مدرن و مترقی دنیا می تواند در مقابل این جنایات هولناک بایستد، آنها مهار کند و دولتها و نیروهای ارتجاعی دخیل و تا دندان مسلح را افسار بزند.

۱ اوت ۲۰۱۴

روز سوم آگوست طی اطلاعیه ای اعلام کرده که "دیگر جنگ دفاع به داد مردم کردستان نمی رسد و باید با حملات وسیع جواب داعش و گروههای تند رو اسلامی داده شود". لازم به ذکر است اطلاعیه دفتر سیاسی اتحادیه میهنی در حالی منتشر می شود که در چندین جبهه و نوار مرزی با گروه داعش جنگ و درگیری میان نیروهای اقلیم کردستان در جریان است و حتی این

جنگ با گروه داعش می تواند در چند روز آینده تحولات جدیدی را ببار بیاورد و اولین قدم شاید جلوگیری از پیشروی این گروه به مناطق اقلیم کردستان و باز پس گیری مناطقی است که در چند روز گذشته آنها به تصرف خود در آورده اند.

اطلاعیه دفتر سیاسی اتحادیه میهنی در باره جنگ سراسری با گروه داعش

دفتر سیاسی اتحادیه میهنی

دفاعی بیرون بیایم و تا آخرین نفس با تروریستها بجنگیم". لازم به یاد آورست این اولین بار است که مسعود بارزانی فرمان حمله به نیروهای گروه داعش را صادر می کند، نه تنها این بلکه در چند روز گذشته شایعات بسیاری در مورد تسلیم کردن مناطق شنگال و زومار توسط نیروهای حزب دمکرات به گروه داعش وجود داشت.

این تصمیم مسعود بارزانی و

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

پیام جدید مسعود بارزانی به مردم کردستان

شنگال و زومار علیه آنها آغاز شده. بارزانی در بخشی از پیام خود گفت

بعد از اتفاقات شهر موصل کردستان تنها از خود دفاع کرد، ولی تروریستها شروع به جنگ افروزی کردند و حمله به کردستان را شروع کردند و اتفاقات ناگوار چند روز گذشته را شاهد بودیم. به همین خاطر تصمیم گرفتیم از حالت

روز چهارم آگوست مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان در پیامی خطاب به مردم کردستان اعلام کرد که از این پس تا آخرین نفس با گروه تروریستی داعش خواهیم جنگید و از امروز صبح حملات نیروهای پیشمرگ در منطقه

اخبار هفتگی ...

شایعه وجود دارد که حزب دمکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی نه تنها نمی خواهد با گروه داعش درگیر شود، بلکه آگاهانه مناطقی را و از جمله سنگال و مناطق آن را به نیروهای داعش تسلیم کرده اند.

رئیس پارلمان کردستان خواهان جلسه اضطراری در رابطه با اوضاع جنگ در سنگال شد!

روز چهارم آگوست، یوسف محمد صادق رئیس پارلمان اقلیم کردستان خواهان جلسه اضطراری پارلمان در باره اوضاع جنگ نیروهای اقلیم با گروه تروریستی داعش در منطقه سنگال، زومار و اطراف آن شد.

لازم به یاد آوریدست که چند روزی است که گروه تروریستی داعش حملات خود را به منطقه سنگال، زومار و اطراف آن که بیشتر ساکنین آن مردم یزیدی هستند شروع کرده و هزاران نفر از ساکنین این مناطق خانه و کاشانه خود را ترک کرده و آواره دیگر مناطق اقلیم کردستان شده اند. همچنین برخی از خبرگزاریها می افزایند این مناطق که عموماً در دست نیروهای حزب

دمکرات به رهبری مسعود بارزانی است، عمداً از جانب آنها تخلیه شده و طی توافقی مخفیانه، آنها تسلیم نیروهای داعش کرده اند و حتی با نیروهای "یه کینه کانی پاراستنی که ل" اتحاد دفاع از مردم که از کردستان سوریه برای جنگ با داعش آمده اند همکاری نمی کنند.

ورود نیروهای سپاه پاسداران به اقلیم کردستان!

تیم خبرگزاری کانال ک ان در دوز خورمارتو اعلام کردند که تحت حمایت نیروهای اتحادیه میهنی، تعداد زیادی از نیروهای سپاه پاسداران به اقلیم کردستان وارد شدند. آسوا احمد خیرنگار کانال ک ان اعلام کرد که آنها برای تهیه گزارش و خبر به منطقه ورود نیروهای سپاه پاسداران رفته بودند، که با ممانعت نیروهای امنیت اتحادیه میهنی مواجه شدند و با تهدید و توهین از ورود آنها به منطقه جلوگیری کردند. لازم به ذکر است که احزاب ناسیونالیست در طول حاکمیتشان هر یک خود را نزدیک به کشورهای ایران و ترکیه دانسته اند و هر از گاهی دیده شده

که همکاری آنها تا سطح سرازیر کردن نیروهای سرکوبگر آن کشورها به منطقه حاکمیت خود پیش رفته. همکاری اتحادیه میهنی با نیروهای های آدم کش سپاه پاسداران تازگی ندارد، آنها جلودار نیروهای سپاه پاسداران برای تسخیر شهر حلبچه در سال ۱۹۸۸ و متعاقب آن بمباران شیمیائی آن شهر توسط حکومت بعث عراق بودند، آنها جلودار نیروهای سپاه پاسداران برای حمله به حزب دمکرات کردستان ایران بودند، آنها در جنگ داخلی با حزب دمکرات به رهبری بارزانی بارها از نیروهای سپاه پاسداران علیه رقیب خود استفاده کردند.

اتحادیه میهنی و جنبش گوران بر سر شهر دار سلیمانیه به توافق رسیدند!

بعد از ماهها اختلاف و جدل میان اتحادیه میهنی و جنبش گوران بر سر تعیین شهرداری شهر سلیمانیه، روز سوم آگوست با میانجیگری دو جریان اسلامی (کومله و یگرتیو) آنها توافق کردند که هر یک به مدت دو سال شهرداری را در دست داشته باشند. لازم به ذکر است که گرچه در اقلیم کردستان ظاهراً همه نهادها و ارگانها انتخاباتی است، اما در عمل

نظر و رای مردم تا انجا اعتبار دارد که یکی از این احزاب بتوانند آنها به نفع خود استفاده کنند، وگرنه عملاً همه پستها و نهادهای حکومتی از قبل تعیین شده است و احزاب حاکم آنها میان خود تقسیم می کنند، که البته گاهی اوقات نبود توافق میان آنها مثل همین تعیین شهردار شهر سلیمانیه می تواند ماهها به جنگ و جدل میان آنها تبدیلی شود.

دستگیری وسیع متکدیان شهر اربیل

کاروان عبدالکریم سنخگوئی پلیس شهر اربیل روز ۳۱ جولای اعلام کرد که در مدت کوتاهی نزدیک به هزار نفر از افراد بی بضاعت شهر اربیل را دستگیر کرده اند. این مسئول دلیل این افزایش را وجود آوارگان بیشمار می داند که از مناطق دیگر عراق به اقلیم کردستان پناه آورده اند. وی دیگر هیچ توضیحی در باره، اینکه بالاخره سرنوشت این هزار نفر چه می شود و با آنها چه برخوردی خواهند کرد نداد. اما آنچه روشن است اینجا در اقلیم کردستان هم مثل همه ممالک سرمایه داری، به جای رسیدگی و تامین مایحتاج روزانه مردم و نیازمندان، باید خود قربانیان این نظم ظالمانه مورد مواخذه قرار گیرند، تا بشود دزدی و چپاول

احزاب و سرمایه داران و اقلیتی مفت خور را کتمان کرد.

داد و ستد نفت و گاز اقلیم کردستان با جمهوری اسلامی

هفته گذشته ریواز فایق عضو پارلمان اقلیم کردستان اعلام کرد که "هنگامی که نجیروان بارزانی و آشتی هورامی وزیر انرژی به پارلمان آمدند، بسیاری از پارلمانتاران خواهان این بودند که روابط اقتصادی گاز و نفت را با حکومت جمهوری اسلامی برقرار کند" همچنین او گفت قرار است به زودی این روابط با جمهوری اسلامی برقرار شود. لازم به ذکر است که در سالهای گذشته دولت ترکیه و جمهوری اسلامی هر کدام به سهم خود تلاش کرده اند که در اقلیم کردستان دست به سرمایه گذاریهای وسیع و از جمله در رابطه با نفت و گاز بزنند و با توجه به دست بالا داشتن حزب دمکرات به رهبری بارزانی و رابطه حسنه آنها با دولت ترکیه، بیشترین قرار دادها را دولت ترکیه در این زمینه عقد کرده و به همین خاطر هم اکنون جمهوری اسلامی و احزاب طرفدار رابطه گرم با او در میان احزاب ناسیونالیست کرد خواهان رابطه قویتر با جمهوری اسلامی هستند.

نگاه هفته

نصف شدن دیه سیما، شرکت بیمه ای پرداخت کننده دیه، مبلغی را که برای ما در اردیبهشت امسال واریز کرده است، بر اساس دیه سال ۹۲ است، این درحالی است که "طبق قانون دیه، یومالادا است و باید دیه سال ۱۳۹۳ مبنای پرداخت قرار گیرد". پدر سیما شادکام خبر داده که "سازمان پزشکی قانونی، درصد سوختگی دانش آموزان شین آبادی را کمتر از درصد واقعی سوختگی این دانش آموزان اعلام کرده است". به گفته محمد شادکام "سیما شادکام طبق گفته همه پزشکان خود سوختگی نزدیک به ۴۴ درصد دارد در صورتی که پزشکی قانونی درصد سوختگی سیما را حدود ۳۴ درصد اعلام کرده که در نوع خود تبعیض بزرگی است". محمد شادکام با

دختر یا مونث هستند نصف مرد دیه دریافت خواهند کرد." به رغم آنکه دادگاهی برای مقصران در آتش سوزی دبستان انقلاب اسلامی از جمله حمیدرضا حاجی بابایی وزیر وقت آموزش و پرورش تشکیل نشده است اما به نظر می رسد که "بیمه" به استناد برخی از قوانین اسلامی جاری در ایران قصد دارد بیمه صدمات وارد شده به "دختران" دانش آموز شین آبادی را به "نصف" کاهش دهد.

اعتراض خانواده دانش آموزان شین آبادی به پرداخت نصف دیه

محمد شادکام، پدر سیما شادکام، یکی از دانش آموزان آسیب دیده شین آبادی نیز در گفت و گو با روزنامه شرق گفت: "قارغ از بحث

از آن برداشت کنند" و این مساله نیز باعث ناراحتی خانواده ها شده است."

لغو کنسرت به خاطر عدم رعایت تفکیک جنسیتی

کنسرت محسن یگانه که قرار بود در روزهای ۱۸ و ۱۹ مردادماه در ارومیه برگزار شود، به دلیل عدم رعایت تفکیک جنسیتی و اجرا نکردن "طرح زوج و فرد تماشاگران زن و مرد" لغو شد. "سهیل اندام" تهیه کننده این کنسرت ضمن تائید لغو آن از سوی مسئولان محلی در استان آذربایجان غربی، گفت: "همین امروز خبر لغو برنامه از سوی مسئول بخش موسیقی اداره ارشاد ارومیه، به من اعلام شد" و "دلیل این اتفاق هم بلیت فروشی مختلط کنسرت عنوان شده و اینکه ما باید طوری بلیت فروشی می کردیم که

"درخواست ما از وزارت آموزش و پرورش و معاونت امور حقوقی وزارت آموزش و پرورش این است که با توجه به اینکه این حادثه در یکی از مدارس کشور و به دلیل نقض امکانات آموزش و پرورش و دولت رخ داده است، نصف دیگر دیه از طریق کمک یا مستمری از سوی دولت به این دانش آموزان مظلوم پرداخت شود". عثمان مزین یکی از وکلای دانش آموزان شین آبادی درباره مبلغ دیه پرداخت شده را که به دلیل "مونث" بودن این دانش آموزان به میزان "نصف" دیه صدمات وارده به آنها محاسبه شده است، گفت: "شرایط مالی این خانواده ها مساعد نیست. چندی پیش دو شرکت بیمه ای هر کدام ۱۰ میلیون تومان سپرده برای دانش آموزان آسیب دیده پرداخت کردند که این سپرده ها به اسم دانش آموزان است و تا زمانی که به سن قانونی نرسند، نمی توانند پولی

اشاره به اینکه "از میان دخترانی که در این مدرسه آسیب دیده اند، ۱۲ نفر از جمله دخترم، سیما درصد سوختگی بالاتری را داشته اند و تمامی این دانش آموزان طی ۲۴ ساعت روز حتی در ساعتی که خواب هستند و کابوس می بینند، نیاز به پرستاری و مراقبت دارند، به همین دلیل یک ساله ایم و نمی توانیم از کارافتاده شده ایم و نمی توانیم کاری انجام دهیم"، ضمن اینکه "ما پدران دانش آموزان شین آبادی اگر کاری هم داشته باشیم، عملاً قادر به انجام آن نیستیم، چرا که دختران را باید ماهی یکبار به تهران بیاوریم و هر سه ماه یکبار بیش از ۲۰ تا ۲۵ روز مجبوریم برای درمان دخترانمان در تهران بمانیم، حالا اگر دیه هم به ما به صورت نصف آن پرداخت شود، زندگی برای ما دشوارتر می شود". عثمان مزین، یکی از وکلای دانش آموزان شین آبادی، گفته که

نگاه هفته

خانمها در روز اول و آقایان در روز دوم به سالن برنامه ببینند."

در آب غرق شدند

۱۲ مرداد: یادگار کرمی ۱۷ ساله اهل روستای "عاریلنگ" در رودخانه جغتوی، حدفصل روستای "کچل منگان" غرق شد
۱۰ مرداد: محی‌الدین و محمد رحمانی در سد سراب قامیش غرق و جان خود را از دست دادند. محی‌الدین و محمد رحمانی ساکن روستای "قهرآباد" از توابع شهر سقز می‌باشند که به دلیل "عدم آشنایی با فنون شنا" دچار این حادثه شده و جان خود را از دست دادند.

اشنویه: یاسر عزیزی ساکن روستای "صوفیان" ۱۷ ساله ساکن اشنویه به دلیل از دست دادن کنترل و تشنج و به دلیل "عدم آشنایی با فنون شنا" در رودخانه نزدیک مزار "شیخ‌رش" جان خود را از دست داد.

قروه: علی دلبرانی ۲۳ ساله در آب چشمه "باباگرگر" غرق شد.

آزادی از زندان

ایوب مسلم اهل روستای "قشلاق افغانان" از توابع شهرستان سقز از زندان اوین در تهران آزاد گردید.

تخریب محیط زیست

۱۲ مرداد: سنندج؛ مراتع جنگلی اطراف کوه آبیدر دچار آتش‌سوزی شده و بخش چشمگیری از طبیعت این منطقه در آتش سوخت. محدوده آتش‌سوزی تحت مدیریت و در اختیار سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری سنندج بوده، اما این دو نهاد هیچ اقدامی جهت کنترل آتش‌سوزی و جلوگیری از

نیروهای اطلاعاتی بازداشت شدند.

خوی: سلمان عراقی فعال سیاسی به اداره اطلاعات خوی احضار شده است.

کارنامه اعدام در دولت روحانی

طبق آمار آژانس خبررسانی کردپا، ۸۱۴ مورد مجازات اعدام در سال نخست دولت روحانی به اجرا درآمده است که در مقایسه با بازه زمانی سال قبل (۱۲ مردادماه سال ۱۳۹۱ تا ۱۲ مرداد سال ۱۳۹۲) با تعداد ۵۵۳ مورد، افزایش ۴۷ درصدی داشته است.

کارگران

اعتصاب کارگران شرکت سهند آذر کرمانشاه

۶ مرداد: کارگران شرکت سهند آذر کرمانشاه در اعتراض به دریافت نکردن حقوق هایشان در محل کارگاه دست به اعتصاب زده و عده ای از کارگران به خاطر عدم دریافت حقوق شان به دستگاههای سنگ شکن این شرکت حمله کرده و آن‌ها را تخریب کردند. مدیریت کارگاه به کارگران گفته است پولی نداریم به شما بدهیم و به همین دلیل ۱۰ تن از کارگران به دستگاه های موجود در کارگاه حمله ور شده و آنها را تخریب کردند. کارگران شرکت سهند آذر در حال حاضر در پروژه سد داریان مشغول به کار هستند. بعد از این حادثه صد تن از کارگران شرکت سهند آذر کرمانشاه در اعتراض به شش ماه حقوق معوقه در مقابل استانداری کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران در این تجمع خواستار رسیدگی استاندار به خواسته هایشان شدند. کارگران سپس در مقابل دادگستری کرمانشاه تجمع کرده و نماینده کارگران به دادستانی مراجعه کرد.

کارگران به مسئولین دادستانی اعلام کردند که ماه هاست حقوقی دریافت نکرده اند و در فقر و نداری به سر می برند. دادگاه چند ماه پیش وعده داده بود که مالک شرکت متعهد شده است از طریق فروش تعدادی از دستگاه های کارخانه، حقوق عقب مانده کارگران را جبران کند، ولی تاکنون هیچ اقدامی انجام نشده است. گفتنی است، کارفرمای شرکت سهند آذر کرمانشاه، سپاه پاسداران است

مرگ دو کارگر کولبر

۱۰ مرداد: «سالار کلاشی» و «حسن بانی‌هیله» دو کولبه بر در منطقه ثلاث باباجانی به ضرب گلوله مستقیم نیروی انتظامی از پای درآمدند. «سالار کلاشی» کولبه بر جوان، در حالی که بر موتور سیکلت سوار بود به ضرب گلوله مستقیم نیروی انتظامی منطقه ثلاث باباجانی از پای درآمد. و ۹ مرداد ماه نیز «حسن بانی‌هیله» اهل روستای قالیچه از توابع ثلاث باباجانی به ضرب گلوله مستقیم نیروی انتظامی کشته شد.

تعطل در صدور مرخصی پزشکی برای یوسف آبخرابات و وخامت جسمی او

بر اساس گزارش دریافتی، یوسف آبخرابات از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری که در زندان مهاباد محبوس میباشد نیاز فوری به مرخصی پزشکی و انتقال به بیرون از زندان جهت مداوای فوری دارد. یوسف آبخرابات که دچار پارگی شبکیه چشم شده است باید فوراً به پزشکان متخصص بیرون از زندان مراجعه کند تا به سرعت تحت مداوا

و عمل جراحی قرار گیرد. یوسف آبخرابات که پیشتر در اثر کار فراوان دچار آسیب دیدگی در شبکیه چشم شده بود اخیراً نیز به علت فشارهای وارده در اثر دستگیری و فشارهایی که بابت دفاع از حقوق کارگران به وی وارد کرده اند به مشکلات جدیدتری در ناحیه چشم و شبکیه دچار شده است. خانواده آبخرابات به مدت دو ماه است که پرونده پزشکی وی را به همراه مدارک لازم جهت صدور مرخصی پزشکی به دادستانی مهاباد تحویل داده اند اما هنوز اقدام لازم جهت صدور مرخصی پزشکی برای وی از سوی دادستانی انجام نگرفته و به نظر میرسد عملاً در این زمینه تعلل صورت گرفته است. این وضعیت در حالی اتفاق می افتد که رئیس زندان مهاباد که از نزدیک وضعیت یوسف آبخرابات را مشاهده کرده است با مرخصی وی موافق است اما کماکان دستور نهایی دادستان صادر نشده است. بنا بر گزارش دریافتی وضعیت چشم یوسف آبخرابات به گونه ای است که دیدن محیط اطراف برای وی بسیار دشوار شده است و در صورت تعلل بیشتر در صدور مرخصی پزشکی، امکان ایجاد نارسایی دایمی بینایی برای وی محتمل است. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکومیت تعلل در صدور مرخصی پزشکی یوسف آبخرابات، مسئولیت هرگونه صدمه جسمی وارده به ایشان را مستقیماً برعهده مقامات مربوطه دانسته و همچنین خواهان آزادی تمامی کارگران و فعالین کارگری دربند است. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ۸ مردادماه

۹۳

صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

اساسی سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!